

کشورهای اسلامی نیز از آن تأسی کردند و این نام تاریخی را به خلیج عربی تغییر دادند! از طرف دیگر علمای الازهر تحت فشار دولت وقت مصر یا مستقلاً و همچنین مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم زنجانی <sup>رحمه‌الله</sup> نامه‌هایی را به آیت‌الله بروجردی <sup>رحمه‌الله</sup> نوشتند و از ایشان خواستند که دولت وقت ایران شناسایی دوفاکتور دولت اسرائیل را پس بگیرد. آیت‌الله بروجردی صدراالاشراف را – که رئیس مجلس سنا بود– به قم دعوت کرد و از او نسبت به این اقدام رژیم شاه توضیح خواست. صدراالشراف به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس را انکار کرد! آیت‌الله بروجردی عین پاسخ صدراالاشراف را برای شیخ عبدالکریم زنجانی و علمای الازهر ارسال کرد که البته برای آن‌ها قانع‌کننده نبود. چند ماه بعد نیز آیت‌الله بروجردی درگذشت که با درگذشت ایشان، ارتباط رژیم پهلوی با صهیونیست‌ها وسیع‌تر شد تا جایی که پس از زلزله شدیدی که در بوئین‌زهر در حوالی قزوین روی داد، کارشناسان اسرائیل به ایران آمدند و اقداماتی را در آن منطقه انجام دادند که با واکنش منفی مردم روبه‌رو شد.

▣ **چه وقایعی موجب شد که مردم ایران، مخالفت با رژیم پهلوی را بابت ایجاد ارتباط گسترده با حکومت اسرائیل علنی کنند؟**

• در تابستان یا پاییز ۱۳۳۵ ش، پس از آنکه جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر، کانال سوئز را ملی اعلام کرد، دولت اسرائیل، انگلستان و فرانسه به این کشور حمله کردند که با اخطار دولت شوروی و آمریکا مواجه شدند. آیت‌الله بروجردی <sup>رحمه‌الله</sup> به‌همین مناسبت دروس حوزه را تعطیل کردند. گسترش ارتباط شاه با رژیم اسرائیل، واکنش شدید امام خمینی <sup>رحمه‌الله</sup> و سخنرانی معروف ایشان در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ را در پی داشت. امام راحل، شاه و بهائیت را دست‌نشانده رژیم اشغالگر قدس دانست و پرسید: «چه نسبتی بین شاه و رژیم اسرائیل وجود دارد که شهربانی کشور، از وعاظ التزام می‌گیرد که نگویید اسلام در خطر است و نسبت به اسرائیل و شاه بد نگویید؟...». امام ادامه دادند: «همه اختلافات ما بر سر این سه موضوع است و اگر نسبت به این مسائل صحبت نکنیم، باید چه چیز بگوییم؟...». ایشان در این سخنرانی به یک معنا پیوستگی دربار با رژیم صهیونیستی را نشان دادند. بعد از تبعید امام خمینی <sup>رحمه‌الله</sup> از کشور و عدم واکنش لازم از سوی گروه‌ها و شخصیت‌های داخل، روابط ایران و اسرائیل روز به روز گسترده‌تر شد. برخی از یهودیان برای اینکه بتوانند، فعالیت بیشتری در ایران داشته باشند، بهایی شدند. رژیم جعلی اسرائیل و دولت‌های آمریکا و انگلیس، نمایندگان تجاری خود را از طریق یهودیان و بهائیان انتخاب می‌کردند؛ چه اینکه رشته‌های مختلف اقتصاد در دست آنان بود. در این دوره بهائیان ایران به‌دلیل بستری‌های مساعد پیشین و طرفیت‌های به‌وجودآمده، ارتباط وسیع و گسترده‌ای را با اسرائیل برقرار کردند تا جایی که اعضای این فرقه در ایران و پس از شکست کشورهای عربی از اسرائیل در سال ۱۳۴۶ ش، آشکارا حشِن برگزار و شادمانی خود را ابراز می‌کردند. در مقابل علما و مراجع ایران و عراق، در جنگ سوم رژیم اشغالگر قدس یا به یک معنا جنگ دوم، با صدور اعلامیه‌هایی خواستار کمک مردم به دولت‌های عربی دیگر جنگ شدند. این اعلامیه‌ها در کتب اسناد آمده است.

در سال ۱۳۵۲ ش – که سومین یا چهارمین جنگ بین اعراب و اسرائیل اتفاق افتاد– مراجع شیعه ساکن در ایران و عراق، همدردی خود را با دولت‌ها و ملت‌های عرب داخل جنگ اعلام و خواستار هرگونه کمک به آنان شدند. امام خمینی <sup>رحمه‌الله</sup> از صدور پیامی به دول و ملل اسلامی، همه را به جهاد همه‌جانبه قاطع و به‌دور از اختلافات، علیه اسرائیل فراخواندند و آن‌ها را از فروش نفت به اسرائیل برحذر داشتند. این‌گونه رویکردها همچنان تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت و نگاه عمده عالمان، مجامع و جریانات شیعی به شاه به‌عنوان هم‌پیمان اسرائیل کماکان منفی بود. جالب اینجاست با نخستین حرکت‌هایی که در سال ۱۳۵۶ ش علیه رژیم پهلوی آغاز شد، بیش از همه رژیم جعلی اسرائیل نگران شد. نخستین شخصیت خارجی که از خطر سقوط رژیم پهلوی اعلام نگرانی کرد، سفیر وقت اسرائیل در ایران ؛یعنی متیر عدری بود که پیش‌بینی‌اش نیز درست از آب درآمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، موشه‌دایان یکی از شخصیت‌های برجسته اسرائیل که در گذشته وزیر جنگ این رژیم جعلی بود، اعلام کرد: «انقلاب اسلامی ایران زلزله بسیار بزرگی در خاورمیانه است…»

- پی‌نوشت**

۱. آژانس یهود «سخنوت» در آستانه جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۱ ه‍. ش در ایران تأسیس شد و نقش مهمی در سازماندهی و سامان‌دهی یهودیان فراری لهستانی داشته است. دو یهودی معروف و ثروتمند ایرانی: عزیز القایان و دکتر حبیب لوی، نقش مهمی در تأسیس این آژانس در ایران به عهده داشتند. این آژانس در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ نیز بسیاری از یهودیان عراقی را هم به فلسطین اشغالی منتقل کرد. بر اساس اسناد وزارت امور خارجه، این آژانس در مهاجرت یهودیان کردستان ایران و عراق (از طریق ترکیه) به فلسطین اشغالی نقش بسزایی داشته است. این آژانس تا سال ۱۳۳۴ ش توانست، ۴۵ هزار تن از یهودیان ایرانی را به فلسطین اشغالی انتقال دهد.

و حق شرف دارند و می‌بایستی مورد حمایت قرار گیرند. از اینکه بر فردی از این اشخاص ستم و تجاوز روا دارید، پشیمید؛ زیرا خداوند تجاوزگران را دوست ندارد. بایستی در تمامی نقاط زمین به کلمه جهاد جهاد جهاد که مؤمنین آن را دوست می دارند، پاسخ و لیبیک گفته شود. خدا با شماست.

- امضاء**

شیخ محمد مأمون شناوی شیخ دانشگاه الازهر؛ شیخ محمدحسین مخلوف مفتی دیار مصر؛ شیخ عبدالرحمن حسن‌وکیل شیخ دانشگاه الازهر؛ شیخ محمد عبداللطیف دراز مدیر دانشگاه الازهر و دانشسراهای دینی؛ شیخ محمود ابوالعبون منشی کل دانشگاه الازهر و دانشسراهای دینی؛ شیخ عبدالجلیل عیسی شیخ دانشکده زبان عربی دانشگاه الازهر؛ شیخ حسینی سلطان شیخ دانشکده اصول دین؛ شیخ محمد جهنی شیخ دانشسرای قاهره؛ شیخ عبدالرحمن تاج شیخ بخش عمومی؛ شیخ محمود غمراوی بازرس الازهر؛ شیخ ابراهیم حمروش؛ شیخ محمود شلنتوت؛ شیخ ابراهیم جبالی؛ شیخ محمد شربینی؛ شیخ محمد عتریس؛ شیخ محمد عرابه؛ شیخ محمد عرفه؛ شیخ حامد محسن؛ شیخ عبدالفتاح عنانی؛ شیخ فرغلی ریدی؛ شیخ احمد حمید؛ شیخ محمد ابوشوسه؛ شیخ علی معداوی؛ شیخ عبدالرحمن علیش؛ واعضای جمعیت علمای بزرگ الازهر در قاهره و دیگر مناطق مصر.

- منبع**

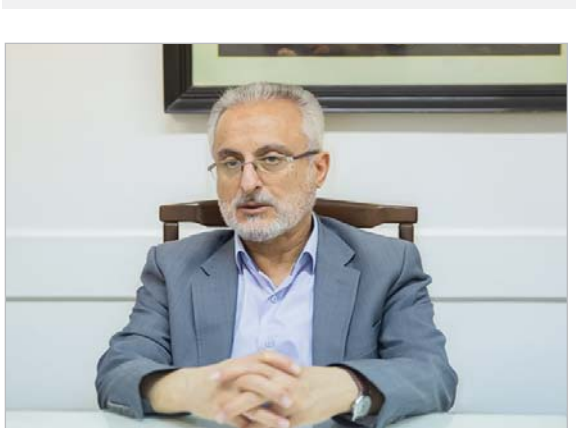
دانشنامه فلسطین، صفاتاج ویژهنامه‌ها، کاروان الی بیت‌المقدس شماره: ۰۰۰۷۳۸+۰۰۰۱۲۲۴+۱۳۹۰+۳۴/۱۲/۹۰. ۱۲،۵۰.

# ایجاد رژیم صهیونیستی

## واکنش علمای شیعه در ایران و عراق

گفت‌وگو با محمدحسن رجبی دوانی

اولین بار حزب صهیونیست یا صهیونیسم، در فروردین ۱۳۰۰ و تقریباً کمتر از یک ماه بعد از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، در ایران اعلام موجودیت کرد. سپس اساسنامه حزب را به دولت دادند که تصویب آن مدتی به‌طول انجامید. پس از تأیید دولت، شعبی از این حزب در شهرهای دیگر تأسیس شد. در گفت‌وشنود پی آمده از سوی روزنامه جوان، محمدحسن رجبی دوانی تاریخ پژوه معاصر، به تبیین واکنش علما در مواجه با صهیونیسم و اشغال فلسطین پرداخته است. امید که پژوهشگران را مفید و مقبول آید.



به شرح زیر آمده است: «هوالعزیز. نصر من الله وفتح قریب. خون‌های پاک فدائیان رشید اسلام، در حمایت از برادران مسلمان فلسطین می‌جوشند. ۵ هزار نفر از فدائیان رشید اسلام، عازم کمک به برادران مسلمان فلسطین هستند و با کمال شتاب از دولت ایران، اجازه حرکت سریع به سوی فلسطین را دارند و منتظر پاسخ سریع دولت می‌باشند…»

پس از ۲۸ مرداد آیت‌الله بروجردی <sup>رحمه‌الله</sup> هم اعلامیه‌ای به زبان عربی نوشت که بخشی از آن، از سوی مرحوم اشرافی واعظ ترجمه و برای مردم خوانده شد. در این خصوص توضیح بفرمایید.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از یک طرف آمریکا که توانسته بود، به‌تدریج به جایگاه استعماری مسلط در ایران دست یابد، به‌همراه انگلستان تلاش کردند، جای پایی برای رژیم نوپا و جعلی اسرائیل در ایران باز کنند؛ بنابراین آموزش و سازماندهی ساواک ایران را به دولت اسرائیل سپردند. علاوه بر این، دولت اسرائیل که روابط خویش را با حکومت پهلوی مستحکم می‌کرد، سعی بر آن داشت تا در میان گروه‌های مختلف جامعه از قبیل روشن‌فکران نفوذ پیدا کند. به‌همین منظور به گروه نیروی سوم به ریاست خلیل ملکی که گروهی منشعب از حزب توده بود، به‌تدریج نزدیک شد. این گروه سوسیالیست؛ اما مخالف رهبری اتحاد شوروی بر اردوگاه سوسیالیست جهانی و به دنبال یک الگوی شرقی از این مکتب بودند؛ لذا در این جست‌وجوی خود، به سوسیالیسم اسرائیلی یا همان کلیسا – که واحد اشتراکی سوسیالیت بود– رسیدند و از این طریق، نوعی پیوند با اسرائیل پیدا کردند. از طرف دیگر اسرائیل از اواخر دهه ۱۳۳۰ ش، به دعوت بسیاری از مدیران و منورالفکران ایرانی، برای سفر به فلسطین اشغالی مبادرت کرد تا آنان به‌اصطلاح پیشرفت‌های این کشور نوظهور سوسیالیستی را از نزدیک ببینند. بعضی از این افراد به فلسطین اشغالی سفر کردند و حتی برخی سفرنامه‌هایی هم نوشتند و به تمجید از اسرائیل پرداختند.

▣ **ظاهراً در این دوره، شاه مجدداً برقراری رابطه با دولت اسرائیل را اعلام کرد. ماجرا از چه قرار بود؟**

بعد از کودتا روابط سیاسی و اقتصادی بین ایران و رژیم اسرائیل روز به روز مستحکم‌تر شد. در تابستان سال ۱۳۳۹ شمسی، شاه در مصاحبه‌ای، مجدداً این رژیم را به‌صورت دو فاکتور به رسمیت شناخت. این اعلام، واکنشی بسیار منفی در کشورهای اسلامی داشت. دولت مصر به ریاست جمال عبدالناصر به‌شدت به دولت ایران حمله کرد و به‌عنوان واکنش به این اقدام، خلیج‌فارس را خلیج عربی نامید و بعد از آن، سایر

را از خانه بیرون خواهند کرد! او هشدار داد که وسوسه‌های دولت بریتانیا برای مشارکت و زیست مسالمت‌آمیز یهودیان با مسلمانان و تشکیل دولت مشترک، فریبی بیش نیست و مردم باید از آغاز، راه را بر خطر ببندند. شیخ عبدالکریم زنجانی در تل‌آویو و در جمع یهودیان سخنرانی مهیجی کرد و به آن‌ها گفت: شما بازی آمریکا را خورده‌اید و این مهاجرت به‌نفع شما نیست! ظاهراً این علما دو بار به فلسطین سفر کردند؛ اما با وقوع جنگ جهانی دوم و به‌دلیل ناامن بودن سفر به فلسطین، در مسافرت مجدد آنان به این کشور وقفه به وجود آمد.

▣ **پس از وقوع جنگ جهانی دوم فعالیت آژانس یهود در ایران به چه صورت انجام می‌گرفت؟**

• با وقوع جنگ جهانی دوم، در مهاجرت یهودیان به سرزمین فلسطین وقفه‌ای ایجاد شد؛ اما بعد از جنگ می‌بینیم که دفاتر آژانس یهود در ایران، بسیار فعال می‌شود. طبق اسناد منتشرشده، ۱۸ دفتر متعلق به این آژانس در ایران فعالیت می‌کردند. عمده فعالیت آن‌ها در سازماندهی یهودیان ایران و اعزام آن‌ها به فلسطین بود. آنان در یک مرحله حدود ۶۰ هزار جوان یهودی را بدون رفتن به سربازی و برخلاف مقررات کشور – که حق خروج نداشتند– به فلسطین فرستادند.

**ثبت‌نام ۵ هزار نفری فدائیان اسلام از برای جنگ با اسرائیل**

▣ **واکنش‌های علما و مجامع مذهبی به این روند، چگونه و در چه قالب‌هایی ابراز شد؟**

برای اینکه فعالیت‌های آژانس یهود از چشم علما و مردم ایران پنهان بماند، آن‌ها از طریق بهائیان شروع به ایجاد آشوب و بلوا در شهرهای مختلف کشور کردند. اگر تاریخ این دوران مطالعه شود، می‌بینیم در شهرها و روستاهای کشور، مرتب از تراخ بین بهائیان و مسلمانان سخن می‌رود. مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا حسین بروجردی <sup>رحمه‌الله</sup> در دیدارهای متعددی که با شاه و مقامات، خودشان یا نماینده‌شان داشتند، خواستار جلوگیری از آشوب‌های بهائیان بود. بیشتر مشغله و دغدغه ذهنی آیت‌الله بروجردی و سایر علما در آن دوره، مسئله آشوب‌های بهائیان بود. من تصور می‌کنم که احتمالاً این آشوب‌ها یک جریان انحرافی بود تا مانع از اطلاع مردم ایران از اقدامات آژانس یهود در ایران شود.

بعد از تشکیل دولت جعلی اسرائیل، اولین اعلامیه تند و آتشین را آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی <sup>رحمه‌الله</sup> صادر کرد و ایجاد دولت اسرائیل را به‌مثابه یک سرطان در قلب کشورهای اسلامی دانست و اعلام خطر کرد که باید هرچه زودتر این غده سرطانی برداشته شود. بعد از اعلام تشکیل دولت اسرائیل، حمله به مناطق فلسطینی‌نشین آغاز شد و متعاقب آن، اولین جنگ بین اعراب و اسرائیل شکل گرفت. در این زمان آیت‌الله کاشانی اعلامیه‌ای را در حمایت از مردم فلسطین منتشر کرد و ضمن اعتراض به مجامع بین‌الملل برای حمایت از صهیونیسم، خطر تشکیل دولت اسرائیل را این‌گونه عنوان کرد: «در هر صورت تشکیل دولت یهودی در آتیه، کانون فساد بزرگ برای مسلمین خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود و زیان آن‌ها تنها منوجه اعراب فلسطین نمی‌شود و علی‌ائ حال، بر تمام مسلمین عالم است، از هر طریق که می‌شود، از این ظلم فاحش جلوگیری کرده و رفع این مزاحمت را از مسلمین فلسطین بنمایانند…»
شهید نواب صفوی یا جمعیت فدائیان اسلام نیز، اعلامیه‌ای صادر کردند و با اعلام آمادگی ۵ هزار نفر از رزمندگان ایرانی برای حضور در جنگ با صهیونیسم در فلسطین، خواستار هموارشدن راه خروج این نیروها از کشور از سوی دولت شدند. این اعلامیه



▣ **اولین‌بار حزب صهیونیست در ایران در چه مقطعی اعلام موجودیت کرد و عکس‌العمل حکومت وقت در قبال آن چه بود؟**

• اولین‌بار حزب صهیونیست یا صهیونیسم، در فروردین ۱۳۰۰ و تقریباً کمتر از یک ماه بعد از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹، در ایران اعلام موجودیت کرد. سپس اساسنامه حزب را به دولت دادند که تصویب آن مدتی به‌طول انجامید. پس از تأیید دولت، شعبی از این حزب در شهرهای دیگر تأسیس شد. برای نمونه حزب جوانان صهیونیسم یا صهیونیست در همان سال در همدان اعلام موجودیت کرد. بعد از اعلام تأسیس حزب در ایران، این رویداد با واکنش‌هایی از سوی مردم، جریان‌های فکری– سیاسی و تشکل‌ها مواجه شد. نخستین واکنش در مهر ۱۳۰۰، یعنی شش‌ماه بعد از تأسیس حزب صهیونیسم در ایران، مربوط به «هیئت علمیه تهران» است که متشکل از گروهی از علمای برجسته شهر تهران است. این هیئت نسبت به انتشار یک مقاله که یک نفر در آن عنوان کرده بود: فلسطین و قدس باید یهودی سازی و مسکن و مأوای یهودیان شود، به‌شدت اعتراض کرد و از دولت خواست تا نویسنده این مقاله را دستگیر و محاکمه کند. طبق اسناد منتشره از شهربانی کشور در سال ۱۳۰۸ ش و در زمان سلطنت رضاشاه، کنسول‌گری‌های انگلستان در رشت، مشهد و کرمانشاه به گردآوری و سازماندهی یهودیان ایران و همچنین عراق و ترکمنستان می‌پرداختند و یهودیان را به فلسطین اعزام می‌کردند. این گزارش‌ها را شهربانی این شهرها به شهربانی کل کشور می‌دادند و ظاهراً حرکتی بوده که شهربانی کل در جریان آن نبوده و شهربانی شهرستان‌ها، از فعالیت آن‌ها پرده برداشته است.

▣ **عکس‌العمل علما و مردم در قبال این رویداد چه بود؟**

• نخستین اعلامیه‌ای که هیئت علمیه تهران منتشر کرد، مربوط به آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۱۲ شمسی است. این واکنش پس از اینکه مفتی اعظم فلسطین، نامه‌ای به آیت‌الله حائری نوشت و از مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین ابراز نگرانی کرد، ابراز شد. آیت‌الله‌العظمی حائری <sup>رحمه‌الله</sup> در آن زمان احساس کرد که مهاجرت یهودیان به فلسطین، به مسلمانان آسیب می‌رساند. از این روی برای دفاع از مردم فلسطین، دست به کار شد و در دی۱۳۱۲ش، از سوی آیت‌الله‌سیدمحمد بهبهانی <sup>رحمه‌الله</sup> نامه‌ای برای رضاشاه ارسال کرد و از او خواست که از مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین جلوگیری کند.

بعد از این جریان و در سال ۱۳۱۵ ش، دو تن از علمای برجسته در عراق – که یکی از آن‌ها ایرانی و دیگری عرب بود– به‌نام‌های آیت‌الله شیخ عبدالکریم زنجانی و آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء <sup>رحمه‌الله</sup> به فلسطین، و سوریه و مصر مسافرت کردند. در بیت‌المقدس سخنرانی‌ای برای مجامع مسلمان عرب متذکر شدند. کاشف‌الغطاء خطابه‌ای بلند و تاریخی در «گردهمایی عمومی اسلامی در قدس»، در تأیید تقریب بین مذاهب اسلامی خواند. وی با سخنرانی مؤثر خود درباره علل انحطاط مسلمانان و ضرورت پرهیز از دوگانگی و خطر جنبش نوین صهیونیست‌ها برای تسلط بر جهان اسلام سخن گفت. این خطابه به‌اندازه‌ای در دل‌های حاضران نشست که نماز جماعت را با حضور بیش از ۴۰ هزار نفر به امامت وی بجا آوردند! شیخ عبدالکریم زنجانی هم، در بیت‌المقدس سخنرانی‌ای ایراد کرد و همه مسلمانان و اعراب را به اتحاد علیه اسرائیل تشویق کرد. وی با تیزبینی خطر مهاجرت یهودیان به فلسطین به‌عنوان میهمانان ناخوانده به آنان گوشزد کرد و یادآور شد که اینان در صورت تسلط بر مردم، میزبانان

فتوای اعضای جمعیت علمای بزرگ در جامع الازهر و بسیاری دیگر از علما و مدرسین در جامع الازهر در قاهره و دیگر مناطق مصر

## وجوب جهاد برای نجات فلسطین و حمایت از مسجدالاقصی



و دارای شنونده می‌باشد. شما با این جهاد از وجود خود و از آینده فرزندان نسل آینده خود دفاع می‌کنید. پس از شرف خود دفاع می‌کنید. پس از شرف خود پاسداری و دفاع کرده و گرگ‌ها را از جنگل برانید و آن‌طور که حق جهاد است، در راه خدا جهاد کنید:

﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقتَلْ أَوْ يَغلبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيه أَجْرًا عَظِيمًا﴾

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ

﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾

بسم الله الرحمن الرحيم

ای جماعت مسلمانان! کار از کار گذشت و عوامل سرکشی و طغیان علیه فلسطین لشکر آراستند؛ درحالی‌که مسجد–الاقصی نخستین قبله و حرم سوم و پایانه سیر شبانه خاتم‌التبیین <sup>رحمه‌الله</sup> در این سرزمین است. کار از کار گذشت و برای شما روشن شد که باطل هنوز در شباب است و هنوز هوی بر عقل‌های آنها سیطره دارد و پیمانی را که راه عدل و انصاف می‌نگاشتند، چیزی جز برنامه‌ریزی برای ظلم و اجحاف نمی‌باشد. امروز دیگر صبری بر آن ظلمی که می‌خوانند، ما را در سرزمین خودمان با آن در مشکل اندازند و سینه‌های ما را به زمین آشنا سازند و پیوندهای خلق‌هایی را که با خداوند در دین خدا و زیان و احساسات‌شان اتحاد به وجود آورده، از هم بدرزد. باقی نمانده است. تصمیم سازمان ملل متحد، تصمیمی است که از خود آن نیست و تصمیمی باطل و ظالمانه است که هیچ بهره‌ای از حق و عدالت در آن وجود ندارد. فلسطین ملک اعراب و مسلمین است که در آن جان‌های گران‌قدر و خون‌های پاکي را بذل نموده‌اند و ان‌شاءالله علی‌رغم مخالفت اهل باطل و کارشکنان، ملک اعراب و مسلمانان باقی خواهد ماند و هیچ‌کس – هرکه می‌خواهد